



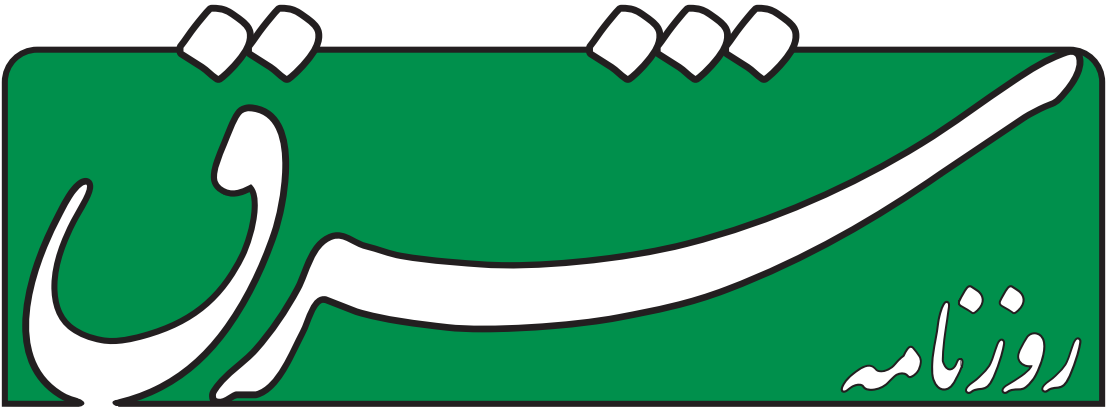
جشنواره «تورنتو» با طعم پرونده هسته‌ای ایران

آسانژ: «وکن پنجم» دروغ در دروغ است

سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم تورنتو در حالی تا دو هفته دیگر افتتاح می‌شود که به نظر می‌رسد، ایران محور بخش مهمی از این دوره از جشنواره است. در افتتاحیه این رویداد سینمایی فیلم «وکن پنجم» به نمایش درمی آید که در مورد افشاگری...

صفحه ۱۱

پنجشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۹۲ - ۱۴ شوال ۱۴۳۴ - ۲۲ آگوست ۲۰۱۳



یادداشتی از سهیل محمودی

شب‌ی با «قیصر»

برخی از شخصیت‌ها، در حوزه فرهنگ معاصر به‌دلالی دیگر جزو کلاسیک‌ها شده‌اند. مثل «همینگوی» در آن‌سوی آب‌ها. یا «تاگور» در این‌سوی. در کشور خود ما نیز اینگونه است. آلان دیگر «نجف دریابندری» و «محمد قاضی» جزو کلاسیک‌هایند. یا احمد محمود و...

صفحه ۱۶

سال دهم - شماره ۱۸۱۳ - ۱۶ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

قطعه‌ای دیگر در «پازل» کودتا

سید هادی خسروشاهی

رئیس پیشین دفتر حافظ منافع ایران در قاهره



آزادی دیکتاتور مصر از زندان و تیرنه از موارد اتهامی، پازل نقشه کودتا را کامل تر کرد. اگرچه تا سرکوب کامل «اخوان» روند ناآرامی‌ها ادامه خواهد یافت اما اگر کودتایی مضاعف توسط نیروهای اسلام‌گرای ارتش علیه «السیسی» و سایر فرماندهان دوران مبارک صورت نگیرد، بعید است رویه فعلی تغییر کند. به هر حال اخوان المسلمین، آنچه را درو می‌کند که خود در زمان زمامداری مرسی، کاشته است. آنان در مصر دارای سابقه ۸۵ ساله هستند و تا دوران یک‌ساله، در بین مردم عادی، فرهیختگان، روشنفکران و جوانان از دوران «ناصر» تا «مبارک» دارای پایگاه اجتماعی قابل قبولی بودند. اگرچه آنان عادت به سرکوب‌شدن دارند و در دوره‌های گذشته مقاومت قابل قبولی صورت داده‌اند اما در گذشته، آنان به واسطه همین محبوبیت اجتماعی، لطمت‌ها وارده را از سر گذرانده و به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما عملکرد یک سال اخیر آنان سبب شده تا جایگاه سابق را از دست بدهند. بر همین اساس بازداشت رهبران و اعضای این تشکل و برخوردهای صورت‌گرفته، آنها را تضعیف خواهد کرد. انقلاب جوانان در مصر که با نام‌هایی چون «بیداری اسلامی»، «بهار عربی» یا هر دو خوانده می‌شود، سبب شد تا اخوان المسلمین که در فرآیند مبارزه علیه مبارک، با جریان‌های دیگر همکاری می‌کرد، روی کار آمده و در انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری، با شاخه سیاسی خود به پیروزی دست یابد. پس از آن اما اخوان رویه گذشته را تغییر داد و همه نیروها را طرد کرد. برخلاف راشد الفتوشی که در تونس، با همه نیروها کار کرده و زمینه‌سازی برای روی کار آمدن چهرهای سکولار به‌عنوان رئیس‌جمهور را صورت داد. اخوان المسلمین اسا در عمل همه نیروها را طرد کرده و این، اشتباه استراتژیک این جریان بود. همچنین در روابط خارجی به‌جای برقراری روابط موثر با ایران، «حزبالله»، «حماس» و کشورهای حامی حرکت‌های اسلامی، نخستین سفر خود را به ریاض انجام داد، با این باور که می‌تواند روی کمک‌های مالی و سیاسی سعودی‌ها حساب کند. این کمک‌ها اما بسیار ناچیز صورت گرفت و پس از کودتا، ناگاه همین عربستان، پول خود را به رخ مخالفان کودتا کشید و کمک‌های میلیاردری را به حامیان کودتا و «السیسی» تقدیم کرد. در دوران مرسی، کمبود بنزین باعث صف‌های طولی در پمپ بنزین‌ها شده بود و امروز، همه جایگاه‌های سوخت این کشور پر از بنزین است و این نشان می‌داد که همه‌چیز حساب‌شده علیه اخوان پیش رفت. در سوی مقابل، مرسی به‌جای درس گرفتن از انقلاب‌هایی نظیر ایران، همه ژنرال‌های دوران مبارک را بر سر کار نگه داشت تا همان‌ها، مجری نقشه بر کناری او باشند. به نظر می‌رسد اطلاعاتی که درخصوص وضعیت رژیم اسرائیل و سایر وقایع منطقه میان مرسی و برخی دیگر از طرف‌های منطقه‌ای ردوبدل شده است، خوشبختانه آمریکا نبوده و این اتفاق را باید در نتیجه چنین اقداماتی دانست. پس از قتل‌عام چند روز گذشته مخالفان کودتا توسط ژنرال‌های حاکم، راهی برای آشتی ملی باقی نمانده است. در سوی دیگر، پس از بازداشت گسترده رهبران اخوان، محمود عزت از جمله زندانیان قدیمی اخوان که مانند سایر رهبران این جریان، تجربه زندان را دارد، به رهبری موقت این جریان انتخاب شده است. جبهه مخالفان نیز با بهررائی چون البرادعی و عمر موسی، ریشه‌ای در جامعه مصری ندارند و همانطور که اشاره شد، اخوان به سبب میدان دادن به سلفی‌ها و پیوند با آنان، از محبوبیت گذشته برخوردار نیست.

تشکیل دولت وحدت ملی نیز تبعی‌است و دلارهای آمریکا و ارتجاع عرب، کار خود را می‌کند. نظامیان در شرایط فعلی، مصر را به سوی دوران پیش از انقلاب و بازگشت به عصر مبارک حرکت داده‌اند.



عکس: Reuters

رای دادگاه به آزادی «مبارک»

دیکتاتور امروز به خانه می‌رود

صفحه ۱۵

یادداشت - اقتصاد

نه فقط اقتصاددانان

یک بانک صالح و دانشمند و دلسوز اصلا به چه کار می‌آید؟ درست مثل آکواریومی از آب مقطر و خالص درون یک گناب بزرگ!

۳- تجربه کشورهای جهان، اعم از ایالات متحده با تورم ۱۴ و ۱۵ درصدی دهه ۱۹۷۰ و با کسر بودجه ۱۰ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی (در حالی‌که حد مجاز آن تنها ۲ درصد است)، تا ژاپن، آلمان، چین، برزیل، آرژانتین و همین اتحادیه نا‌زین اروپا در همه یک‌صدسال اخیر تا پامداد امروز نشان می‌دهد که هرگاه منافع دولت‌ها اقتضا کنند، درست‌مانند امنیت ملی، آنها هیچ‌یک در استفاده از بدترین و تورم‌زاترین سیاست‌های پولی در بانک‌های مرکزی‌شان یا در اینکه همه شعارهای مربوط به اقتصاد آزاد و لیبرالیسم و قداست فردریش فون هایک و غیره را یکباره و یکسره کنار بگذارند، تردید به خود راه نمی‌دهند. در صحنه اقتصاد بین‌المللی، اکنون یک جنگ تمام‌عیار با استفاده از همه ابزارها از جمله سیاست‌های پولی و جاسوسی و شنودگذاری در بین نزدیک‌ترین متحدان در جریان است، پیشنهاد می‌کنم به‌عنوان فقط یک نمونه، به عملکرد فنرال رزرو ایالات متحده در چاپ پول، انتشار اسکناس، رشد نقدینگی و خلاصه همکاری تمام‌عیار آن با بقیه نظام اقتصادی ایالات متحده نگاه کنید تا به یکی از بی‌محاباترین سیاست‌های پولی و نیز منجمس‌ترین ناصالح - به هر علت و با هر حشم و درجه‌ای - نمانیم. حال مثلاً در مورد همین کشور خودمان، دولتی که تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه کل کشور و ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی و تا ۱۲۰ میلیارد دلار درآمد ارزی نفتی سالانه را دارد و خرج می‌کند، اگر ناصالح باشد، در آن صورت داشتن

چنانکه تفکیک قوا معنا ندارد و عملاً ممکن نیست، استقلال بانک مرکزی از دولت نیز بی‌معنا و ناممکن است؛ بنا به استدلال‌های بسیار روشن:

۱- اگر دولت، ناصالح - فقط در حوزه اقتصاد حرف می‌زنیم - باشد و بانک مرکزی صالح، کوچک‌ترین اصلاح و کار درستی از بانک مرکزی ساخته نیست؛ بنابراین با هزار در صد استقلال، هر اقتصاد‌خوانده معمولی نیک می‌داند که سیاست‌های پولی معین بانک مرکزی، سیاست‌های مالی عین وزارت اقتصاد و دارایی، دو بال پیشبرد امور اقتصاد ملی هستند و هیچ‌یک بر دیگری تقدم یا اولویت یا اهمیت بیشتر و کمترین ندارد. حال اگر سیاست پولی در دست یک فرد صالح و سیاست مالی در دست یک فرد ناصالح یا هر دو در دستان بهترین اقتصاددانان دنیا اما ناهماهنگ با یکدیگر باشد، هیچ اصلاحی اتفاق نخواهد افتاد. چنین استقلالی ممکن نیست و تاکنون در هیچ کجای جهان نیز رخ نداده و طبعاً دیده هم شده است.

۲- ضرورت استقلال بانک مرکزی از دولت، هنگامی موضوعیت پیدا می‌کند که دولت را ناصالح - به هر علت و با هر حشم و درجه‌ای - بدانیم. حال مثلاً در مورد همین کشور خودمان، دولتی که تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه کل کشور و ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی و تا ۱۲۰ میلیارد دلار درآمد ارزی نفتی سالانه را دارد و خرج می‌کند، اگر ناصالح باشد، در آن صورت داشتن



سعيد ليلاز اقتصاددانان

یادداشت

دکترتر از دکتر

آن ترفته بود. تحصیل من، بهمن ۱۳۵۲ شروع شد. در مهر ۱۳۵۳، آقای دکتر نجفی به من پیوست و تعداد زیادی از دروس را با هم گرفتیم. در دوره دکترای ریاضی MIT، باید حداقل ۱۱ درس تحصیلات تکمیلی می‌گرفتیم (که این معادل ۴۴ واحد در سیستم دانشگاه‌های ایران است).

در این دوره، نمره تمام دروس آقای دکتر نجفی A بود. یعنی ایشان در هیچ درس، نمره کمتر از A نگرفتند. زبان خارجه دوم ما فرانسه بود و این امتحان را با هم دادیم. دکتر نجفی امتحان جامع را هم با موفقیت گذراند و روی پایان‌نامه خود مشغول به کار شد. باید توجه کرد که این درس خواندن، همراه با فعالیت‌های دانشجویی بود که بر شد رژیم شاه می‌کردیم و مقدار زیادی از وقت و انرژی مفید ما را می‌گرفت. استاد راهنمای رساله دکترای دکتر نجفی، پروفیسور برترام کلاستانت (Bertram Kostant) بود که یکی از غول‌های نظریه لی (Lie) است و من هم رساله دکترای خود را با پروفیسور سینگولار هلگاسون (Singular Helgason) گرفتم که او هم غول دیگر این نظریه بود. نظریه لی، ترکیب پیچیده‌ای از آنالیز، جبر و هندسه منیفلد است. رساله دکتر نجفی در زمینه نمایش گروه‌های لی و رساله من در زمینه آنالیز هارمونیک روی گروه‌های لی بود. کار تحقیقی آقای دکتر نجفی بیشتر با نگاه جبری و تحقیق من بیشتر با نگاه آنالیزی بود. در هر حال، در زمان انقلاب ۵۷، با وجودی که هر دو نزدیک به انتهای کار بودیم، تصمیم گرفتیم به ایران بیایم. من چون مدرک کارشناسی ارشد ریاضی خود را در ایران گرفته بودم، مدرکی از MIT نگرفتم اما دکتر نجفی چون به‌طور مستقیم وارد دوره دکترای ریاضی شده بود، به اصرار استاد راهنمایش، تصمیم گرفت یک مدرک کارشناسی ارشد بگیرد.

بیژن ظهوری ز نکته استاد ریاضی دانشگاه صنعتی شریف



در سخنان نمایندگان مجلس در جلسه بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی برای آموزش و پرورش و سخنرانی آقای دکتر نجفی، در مورد دکترای نیمه‌کاره ایشان در دانشگاه MIT صحبت شد. در این مقاله می‌خواهم در این مورد، توضیحاتی بدهم. من آقای دکتر نجفی را از سال ۱۳۵۱ می‌شناسم. در این سال، من مدرک کارشناسی ریاضی خود را تازه از دانشگاه صنعتی شریف گرفته بودم و دانشجوی سال اول کارشناسی ارشد ریاضی همان دانشگاه بودم. در همان سال، آقای دکتر نجفی دانشجوی سال سوم رشته ریاضی بود که از مهندسی به ریاضی تغییر رشته داده بود. ایشان در زمان فارغ‌التحصیلی در دوره کارشناسی ریاضی، نه‌تنها اول نمره رشته ریاضی بلکه اول نمره دانشگاه صنعتی شریف با اختلاف مدخل زیاد با نفر بعدی بود. در این دوره ایشان در اولین دوره مسابقه انجمن ریاضی که بین همه دانشگاه‌های ایران انجام شد، شرکت کرد و نفر اول شد و مدال طلا گرفت. (توجه شود که در آن زمان، فقط یک مدال طلا داده می‌شد، در صورتی که اکنون، در هر مسابقه سالانه، چندین مدال طلا داده می‌شود). دوستی و آشنایی بیشتر ما آقای دکتر نجفی در MIT بود. من در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد ریاضی خود را از دانشگاه صنعتی شریف گرفتم و برای ادامه تحصیل به دپارتمان ریاضی دانشگاه MIT رفتم، دانشگاهی که تا آن زمان، هیچ دانشجویی از دانشگاه‌های ایران به دپارتمان ریاضی

ورزش

استقلال به نیمه‌نهایی نزدیک تر شد

برد ارزشمند

برابر تایلندی شکست انگیز

صفحه ۱۳



در صفحات

ستایش علم‌پزشکی

در روزگار کم‌مهری

با آثار و گفتاری از:

مرداویژ آل‌بویه، ایرج خسرونیا
علیرضا زالی، محمدحسین سلطان‌زاده
ناصر سیم‌فروش، کاظم عباسیون
ایرج فاضل، عبدالرضا ناصر مقدسی

صفحه‌های ۹ و ۸

بزرگداشت مظاهر مصفا

استاد ادبیات و قصیده‌سرای معاصر

با آثار و گفتاری از:

شاهرخ تویسرکانی، عبدالرحیم جعفری
علی دهباشی، امیربانو کریمی
سیدعلی میرفتاح / صفحه‌های ۷ و ۱۰

حرف اول

«بوریرام» فراتر از انتظار

مجید نامجموظلی - کارشناس فوتبالی



در نیمه اول، استقلال بازی نسبتاً خوب و منسجمی از خود به نمایش گذاشت، با این همه من انتظار چنین نمایشی را از تیم تایلندی را نداشتم. تیم بوریرام تیم منسجمی بود و در ابتدای نیمه اول اسیر گل دقیقه دو استقلال‌ها شد و تمرکز خود را از دست داد. با این همه کم‌کم شرایط عادی بر این تیم حاکم شد و بازی خوبی را از خود به نمایش گذاشتند. با بازی که این تیم از خود در تهران به نمایش گذاشت، قطعاً در تایلند می‌تواند برای استقلال در در‌در‌ساز شود. در این بازی فرهاد مجیدی از نیمه اول به زمین فرستاده شد. فرهاد نشان داده که هرگاه به‌عنوان بازیکن جانشین به میدان می‌آید، متمرکز واقع می‌شود یا این همه شرایط بازیکنان تیم را قادر فنی بهتر می‌نماید و شاید مصلحت تیم در این بوده که فرهاد از همان نیمه اول به میدان بیاید. با اینکه استقلال به نظر می‌رسید که برای ضدمحمله برنامه دارد اما تا اواسط نیمه دوم در پیاده‌کردن آن چندان موفق نبود. تیم بوریرام در توپ‌گیری و حفظ توپ بهتر از استقلال عمل می‌کرد، با این همه نتوانستند موقعیت خطرناکی روی دروازه استقلال ایجاد کنند و به سانتر و شوت از راه دور اکتفا کردند. در شروع نیمه دوم، بازی متعادلی را شاهد بودیم و استقلال از برتری محسوسی برخوردار نبود. در این نیمه این تیم تایلندی بود که حملات زیادی را به‌خصوص در اواخر بازی روی دروازه استقلال تدارک دید. تصور چنین تیم خوبی با توجه به سابقه‌ای که از تیم‌های تایلندی در ذهن ما بود شاید برای تماشاگران ایرانی کمی دور از ذهن بود.

ادامه در صفحه ۱۳

پیام‌کوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

الوشرق
۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

«رشیداسماعیلی»

دوستی همراه، آشنایی همدل و جوانی

از تبار اهل قلم، دیده در نقاب خاک کشید.

در سوگ او می‌نیشبیم.

رجوع به صفحه ۲

درج آگهی‌های سینمایی ، فرهنگی و هنری با تعرفه ویژه

۸۸۱۹۳۹۷۹

معرفی آژانسهای مسافرتی
هتل ها و مراکز گردشگری

ستاره ونک

متل سپیدار اسالم

پارسیان مهر گشت

تشریفات

اریکه ایرانیان

۴۲۳۰۹

۲۲۲۶۱۰۰۳

۸۸۸۴۹۹۷۵

۲۲۸۵۲۵۲۸

۸۸۳۷۰۹۰۲

رجوع به صفحه ۱۳



تلفن سازمان آگهی ها ۸۸۱۹۲۸۷۷